

سیاست‌گذاری اقتصادی

مدل، روش و فرآیند

نویسنده: دکتر عباس مصطفی‌نژاد

دانشیار دانشگاه تهران

www.ketab.ir

سرشناسه:	دکتر مصلی‌نژاد، عباس
عنوان و نام پدیدآور:	سیاست‌گذاری اقتصادی (مدل، روش و فرایند)/ نویسنده دکتر عباس مصلی‌نژاد
مشخصات نشر:	تهران: رخ داد نو، ۱۳۹۰
شابک:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۶۲۵ - ۹۰ - ۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت:	نماینه
موضوع:	سیاست اقتصادی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ س ۶ م / HD۸۷
رده‌بندی دیویی:	۳۳۸/۹
شماره کتابشناسی ملی:	۲۴۲۹۸۷۹
تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده، واحد ۵۱۲، کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۱۷۸، تله‌ن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، نمابر: ۶۶۴۹۸۲۹۴	
• ناشر رخ داد نو	
سیاست‌گذاری اقتصادی (مدل، روش و فرایند)	
دکتر عباس مصلی‌نژاد	
دانشیار دانشگاه تهران	
• چاپ اول ۱۳۹۰ تهران	• شمارگان ۳۰۰۰ نسخه
• قیمت ۵۰۰۰ تومان	• لیتوگرافی خدمات فرهنگی صبا
• چاپ غزال	• صحافی دیدآور
• طرح روی جلد حسن کریم‌زاده	
شابک ۵ - ۹۰ - ۵۶۲۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸	ISBN 978-600-5625-90-5
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است	
Printed in Iran	

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
فصل اول: کلیاتی درباره‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی	۲۱
۱. تبیین شاخص‌های مفهومی سیاست‌گذاری اقتصادی	۲۳
۱-۱. رویکرد کثرت‌گرایان کلاسیک	۲۶
۱-۲. رویکرد نئوکلاسیک‌ها	۲۷
۱-۳. رویکرد مارکسیست‌ها	۲۸
۱-۴. رویکرد نئولیبرال‌های جدید	۳۰
۲. عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی	۳۳
۲-۱. نقش دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی	۳۵
۲-۱-۱. نقش دولت در رویکرد نئوکلاسیک	۳۶
۲-۱-۲. نقش دولت در رویکرد کورپوراتیسم	۳۶
۲-۱-۳. نظریه‌های مقایسه‌ای نقش دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی	۳۷
۲-۱-۴. نقش دولت در رویکرد نظام‌مند	۳۹
۲-۲. نقش نهادهای بین‌المللی در سیاست‌گذاری اقتصادی	۴۰
۲-۳. نقش سازمان‌های بوروکراتیک در سیاست‌گذاری اقتصادی	۴۳
۲-۳-۱. تصمیم‌گیری بوروکراتیک در روند سیاست‌گذاری اقتصادی	۴۴
۲-۳-۲. نقش نهادهای بین‌المللی در سیاست‌گذاری اقتصادی بوروکراتیک	۴۵
۲-۳-۳. نقش منابع انسانی در سیاست‌گذاری اقتصادی بوروکراتیک	۴۷
۲-۴. نقش نخبگان و مدیران اجرایی در سیاست‌گذاری اقتصادی اقتضایی	۴۷
۲-۴-۱. نقش نخبگان فردی در سیاست‌گذاری اقتصادی اقتضایی	۴۸
۲-۴-۲. نقش نخبگان اجتماعی در سیاست‌گذاری اقتصادی اقتضایی	۴۹
۲-۴-۳. نقش نخبگان خودیاب در سیاست‌گذاری اقتصادی اقتضایی	۴۹

۴-۲.	نقش نخبگان پیچیده در سیاست‌گذاری اقتصادی اقتضایی	۵۰
۵-۲.	نقش نهادهای نظارتی در سیاست‌گذاری اقتصادی	۵۰
۵-۲-۱.	مراحل «نظارت فرآیندی»	۵۱
۵-۲-۲.	عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نظارت فرآیندی	۵۲
۵-۲-۳.	راهبردهای نظارت فرآیندی	۵۳
۵۵.	خلاصه و مرور مباحث فصل اول	

فصل دوم: نظریه و روش‌شناسی در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۶۱

۱- نقش روش و نظریه در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۶۲
۱-۱. نقش سازمان‌دهنده‌ی روش و نظریه.....	۶۳
۱-۲. نقش هدایت‌کننده‌ی روش و نظریه.....	۶۴
۱-۳. نقش موازنه‌دهنده‌ی روش و نظریه.....	۶۵
۲- رهیافت‌های روش‌شناختی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۶۶
۲-۱. نظریه‌ی نظام‌مند.....	۶۷
۲-۱-۱. قواعد و متغیرهای تشکیل‌دهنده‌ی نظریه‌ی نظام‌مند.....	۶۹
۲-۱-۲. تأثیر قواعد تشکیل‌دهنده‌ی نظریه‌ی نظام‌مند.....	۷۰
۲-۲. نظریه‌ی نهادگرا.....	۷۱
۲-۲-۱. سازمان‌دهی ایستارهای اقتصادی.....	۷۲
۲-۲-۲. پیشبرد کثرت‌گرایی اقتصادی.....	۷۳
۲-۲-۳. وابستگی متقابل بازیگران و کارگزاران اقتصادی.....	۷۳
۲-۲-۴. بهره‌گیری از ابزارهای جدید تأثیرگذاری.....	۷۴
۲-۳. روش‌شناسی سوسیالیستی.....	۷۵
۲-۴. روش‌شناسی جهانی‌سازی و بازارهای جهانی.....	۷۷
۳- نظریه‌های نظری - تحلیلی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۷۹
۳-۱. نظریه‌ی اقتصادی - مدیریتی فلدمن.....	۸۰
۳-۲. نظریه‌ی عمل‌گرا.....	۸۲
۳-۳. نظریه‌ی عدالت‌گرا.....	۸۵
۳-۴. نظریه‌ی انتخاب فردی و بازار اقتصادی.....	۸۶
۸۸.	خلاصه و مرور مباحث فصل دوم.....

فصل سوم: الگوهای تحلیل سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۹۳

۱. الگوی تحلیل راهبردی در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۹۵

۱-۱. شناخت نیازهای محیطی و زمینه‌ای..... ۹۷

۱-۲. شناخت و ادراک مشکل در نگرش تصمیم‌گیران..... ۹۸

۱-۳. جست‌وجوی راه‌حل‌های ممکن و پیش‌بینی نتایج آن..... ۱۰۰

۲. الگوی تحلیل مرحله‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۰۲

۲-۱. تعریف راهبرد ملی توسط مدیران اجرایی..... ۱۰۵

۲-۲. بهره‌گیری از گزینه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت..... ۱۰۶

۲-۳. تطبیق سازمان با تغییرات اجرایی..... ۱۰۷

۳. الگوی تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۰۸

۴. الگوی سازمان، سلسله مراتب و شبکه در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۱۱

۴-۱. نقش تأسیسی-ایجابی در سیاست‌گذاری اقتصادی الگوی سازمان..... ۱۱۴

۴-۲. نقش کنترلی سازمان..... ۱۱۵

۴-۳. نقش تکاملی سازمان..... ۱۱۶

۵. نقش سازمان‌ها و نهادهای فرادولتی در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۱۹

۶. الگوی تعادل ایستا در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۲۲

۷. الگوی رشد بلندمدت در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۲۷

۸. الگوی رشد و اشتغال کامل در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۳۲

خلاصه و مرور مباحث فصل سوم..... ۱۳۵

فصل چهارم: نسبت‌های مالی و سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۳۹

۱. نقش راهبرد مالی در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۴۲

۱-۱. راهبرد مالی در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی ایران..... ۱۴۳

۱-۲. ویژگی راهبرد مالی متوازن..... ۱۴۴

۲. نقش «نسبت مالی» در سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۱۴۶

۲-۱. سطوح تحلیل نسبت مالی..... ۱۴۷

۲-۲. گام‌های تحلیل نسبت مالی..... ۱۴۸

۳	نقش نسبت‌های نقدینگی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۱۵۱
۳-۱	بحران‌های اجتماعی ناشی از بی‌توجهی به نسبت نقدینگی.....	۱۵۱
۳-۲	نقش نقدینگی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشورهای در حال توسعه.....	۱۵۲
۳-۳	نقش «نقدینگی» و «تراز پس‌انداز» در سرمایه‌گذاری اقتصادی.....	۱۵۴
۴	نقش نسبت سودآوری در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۱۵۴
۴-۱	رابطه‌ی سودآوری با سرمایه‌گذاری اقتصاد بین‌المللی.....	۱۵۵
۴-۲	رابطه‌ی سودآوری با قواعد اقتصاد بین‌المللی.....	۱۵۶
۴-۳	چگونگی ارتقاء مقیاس سودآوری در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۱۵۶
۴-۴	تقسیم بین‌المللی کار و کنترل مقیاس سودآوری در اقتصاد جهانی.....	۱۵۷
۴-۵	چگونگی محاسبه‌ی نسبت‌های سودآوری در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۱۵۸
۴-۶	چگونگی مقایسه‌ی نسبت‌های سودآوری در شرایط رقابتی.....	۱۵۹
۵	مقایسه‌ی شرکت‌ها در محاسبه‌ی نسبت‌های مالی.....	۱۶۰
۵-۱	نقش تحرک و نوآوری در محاسبه سود و نسبت‌های مالی مراکز اقتصادی.....	۱۶۰
۵-۲	محاسبه جایگاه‌یابی شرکت‌ها و مراکز اقتصادی در تحلیل نسبت مالی.....	۱۶۱
۵-۳	نقش گردش مالی و کالای شرکت‌ها و مراکز اقتصادی در تحلیل نسبت مالی.....	۱۶۲
۵-۴	نقش «حاشیه‌ی سود فروش» و «فروش کالا» در تحلیل نسبت مالی.....	۱۶۲
	خلاصه و مرور مباحث فصل چهارم.....	۱۶۳
	فصل پنجم: مسئولیت اجتماعی دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۱۷۱
۱	رابطه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی و مسئولیت اجتماعی دولت.....	۱۷۳
۱-۱	تأمین رفاه و موازنه‌ی اقتصادی.....	۱۷۳
۱-۲	سیاست‌گذاری وابسته به رشد اقتصادی.....	۱۷۴
۱-۳	بهره‌گیری از قواعد نهادهای اقتصادی داخلی و بین‌المللی.....	۱۷۶
۲	قابلیت‌ساختاری دولت در اجرای مسئولیت اجتماعی.....	۱۷۶
۲-۱	ارتقای سطح توسعه‌ی انسانی.....	۱۷۷
۲-۲	عملگرایی اجتماعی - اقتصادی و ارتقای قابلیت ساختاری.....	۱۷۸
۲-۳	توانمندسازی عناصر و اجزای ساختاری.....	۱۷۹
۲-۴	ایجاد امنیت روانی و آرامش اجتماعی.....	۱۸۰

۱۸۰	۲-۵. ارتقای سطح آزادی‌های اجتماعی
۱۸۱	۳. نمادهای مسئولیت اجتماعی دولت در روند سیاست‌گذاری اقتصادی
۱۸۲	۳-۱. تأمین شاخص‌های حقوق بشر در مسئولیت اجتماعی دولت
۱۸۳	۳-۲. اجرای پروتکل‌های بین‌المللی مسئولیت اجتماعی دولت درباره‌ی حقوق بشر
۱۸۳	۳-۳. نتایج حاصل از مسئولیت اجتماعی دولت در حوزه‌ی حقوق شهروندی
۱۸۴	۳-۴. ارتقای سطح حقوق شهروندی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی
۱۸۵	۳-۵. تأمین نیازهای بنیادین و عمومی شهروندان
۱۸۶	۴. مسئولیت اجتماعی دولت در قبال بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی
۱۸۶	۴-۱. نقش بخش خصوصی در فرآیند حکومت‌داری ملی و جهانی
۱۸۷	۴-۲. مسئولیت اجتماعی دولت در عصر حکومت‌داری جهانی
۱۸۸	۴-۳. نمادهای مسئولیت اجتماعی دولت در فضای حکومت‌داری جهانی
۱۸۹	۴-۴. نقش دولت در اجرای مسئولیت اجتماعی در قبال بخش خصوصی
۱۸۹	۴-۴-۱. نقش هدایت‌کننده دولت
۱۹۰	۴-۴-۲. نقش مشارکتی دولت
۱۹۲	۴-۴-۳. نقش کاتالیزوری دولت
۱۹۳	۵. نظریه‌های مسئولیت اجتماعی دولت در روند سیاست‌گذاری اقتصادی
۱۹۳	۵-۱. نظریه‌ی کلاسیک در مسئولیت اجتماعی دولت در برابر بخش خصوصی
۱۹۵	۵-۲. نظریه‌ی انتقادی در مسئولیت اجتماعی دولت در برابر بخش خصوصی
۱۹۸	۵-۳. قواعد مسئولیت اجتماعی دولت در برابر بخش خصوصی
۱۹۹	۵-۳-۱. رابطه‌ی مسئولیت اجتماعی و قدرت اجتماعی
۱۹۹	۵-۳-۲. ضرورت ایجاد سیستم باز
۲۰۰	۵-۳-۳. توجه به پیامدهای اجتماعی
۲۰۱	۵-۳-۴. تأکید بر ضرورت هزینه - فایده
۲۰۱	۵-۳-۵. نقش شرکت‌های چندملیتی و نهادهای اقتصادی
۲۰۲	۶. حوزه‌های مسئولیت اجتماعی دولت در روند سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۰۳	۶-۱. مسئولیت اجتماعی دولت در برابر سهام‌داران و مالکان شرکت‌های اقتصادی
۲۰۳	۶-۲. مسئولیت اجتماعی دولت در برابر واردکنندگان و صادرکنندگان کالاهای اقتصادی
۲۰۴	۶-۳. مسئولیت اجتماعی دولت در برابر نهادهای مالی
۲۰۵	۶-۴. مسئولیت اجتماعی دولت در برابر اتحادیه‌های کارگری و نیروهای کار
۲۰۵	خلاصه و مرور مباحث فصل پنجم

فصل ششم: بهره‌گیری از نظریه‌های تنوریک در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۰۹

۱. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی کلاسیک در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۱۰
۲. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی نئوکلاسیک در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۱۳
۳. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی مکاتب کمی و تکاملی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۱۶
- ۳-۱. مکانیسم الگوسازی..... ۲۱۶
- ۳-۱-۱. چگونگی به کارگیری الگوی برنامه‌ریزی خطی..... ۲۱۶
- ۳-۱-۲. چگونگی به کارگیری الگوی سازمان‌دهی و تفکیک..... ۲۱۷
- ۳-۲. چگونگی به کارگیری الگوی شبکه‌ای..... ۲۱۸
- ۳-۳. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی تحلیلی - نظام‌مند..... ۲۱۸
۴. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی کمی - تکاملی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۱۹
- ۴-۱. مکانیسم کوانترسازی بی‌نظمی و آنتروپی..... ۲۱۹
- ۴-۲. مکانیسم ایجاد ثبات و تعادل پویا..... ۲۲۰
- ۴-۳. مکانیسم هم‌افزایی و ارتقای قابلیت سیستم در فضای سینرجی..... ۲۲۱
- ۴-۴. سایبرنتیک و مکانیسم کنترل سلسله‌مراتب..... ۲۲۲
۵. مکانیسم بهره‌گیری از نظریه‌ی اقتضایی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۲۳
- ۵-۱. ایجاد انعطاف‌پذیری ساختاری..... ۲۲۵
- ۵-۲. متنوع‌سازی کارکردهای سازمان..... ۲۲۶
- ۵-۳. اطمینان‌سازی نسبت به محیط و فرآیند..... ۲۲۶
- خلاصه و مرور مباحث فصل ششم..... ۲۲۸

فصل هفتم: فرآیند تحول تاریخی - اجرایی سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۳۳

۱. ضرورت‌های تاریخی - ساختاری در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۳۴
- ۱-۱. بحران اقتصادی اروپا و گسترش عمل‌گرایی اجتماعی - اقتصادی..... ۲۳۴
- ۱-۲. کنترل بی‌ثباتی‌های اجتماعی از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۳۵
- ۱-۳. کنترل ضریب امنیتی کشورها از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۳۶
۲. تبیین زیرساخت‌های تنوریک - تحلیلی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی..... ۲۳۷
- ۲-۱. توسعه‌ی نهادهای مطالعاتی - پژوهشی ساختارگرا..... ۲۳۷
- ۲-۲. گسترش اندیشه‌ی پراگماتیسم..... ۲۳۸

۳. سازمان‌دهی نهادها در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۴۰
۴. مکانیسم بهره‌گیری از سازمان در روند سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۴۱
۴-۱. بهره‌گیری از نخبگان سازمانی - اجرایی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۴۱
۴-۲. کنترل ساختار سیاسی و سازمان.....	۲۴۳
۴-۳. تنظیم وظایف و مقررات کنش سازمان.....	۲۴۳
۴-۴. سازمان‌دهی مدیریت اجرایی.....	۲۴۴
۴-۵. بهره‌گیری از نقش تخصصی نیروهای سازمانی.....	۲۴۵
۵. استانداردسازی الگوهای رفتار سازمانی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۴۶
۵-۱. سلسله‌مراتب سازمانی.....	۲۴۶
۵-۲. تعادل نسبت کارکنان سازمان.....	۲۴۷
۶. ارتقای سطح عوامل و ابعاد محتوایی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۴۸
۶-۱. نقش فرهنگ سازمانی.....	۲۴۸
۶-۲. بهره‌گیری از اهداف و راهبردهای سازمانی.....	۲۴۹
۶-۳. بهره‌گیری از عناصر محیطی.....	۲۴۹
۶-۴. بهره‌گیری از فن‌آوری و قابلیت‌های نیروی انسانی.....	۲۴۹
۶-۵. ایجاد تعادل ساختاری.....	۲۵۰
خلاصه و مرور مباحث فصل هفتم.....	۲۵۰
فصل هشتم: روند تکامل ساخت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۲۵۵
۱. سیاست‌گذاری اقتصادی رفاه‌محور (دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۳۰).....	۲۵۶
۱-۱. سیاست‌گذاری اقتصادی دولت رفاه.....	۲۵۶
۱-۲. سیاست‌گذاری اقتصادی در دوران جنگ.....	۲۵۸
۱-۳. سیاست‌گذاری اقتصادی فراملی.....	۲۵۹
۲. سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط تصمیمات دوران ساز (دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰).....	۲۶۱
۲-۱. سیاست‌گذاری اقتصادی در دوران رقابت راهبردی.....	۲۶۱
۲-۲. فعال‌سازی نهادهای بین‌المللی اقتصادی.....	۲۶۳
۳. سیاست‌گذاری اقتصادی رشد‌محور و تحول‌گرا (۱۹۸۰-۱۹۶۰).....	۲۶۴
۳-۱. نشانه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی رشد‌محور.....	۲۶۵

۲۶۶	۲-۲. تأثیر سیاست‌گذاری اقتصادی رشد محور بر حقوق عمومی گروه‌های اجتماعی
۲۶۷	۲-۳. سیاست‌گذاری اقتصادی فن‌آوری محور در دهه‌ی ۱۹۶۰
۲۶۸	۲-۴. رفتارگرایی و الگوسازی در سیاست‌گذاری اقتصادی دهه‌ی ۱۹۷۰
۲۶۹	۴. سیاست‌گذاری اقتصادی کثرت‌گرایانه و مشارکتی (۲۰۱۰-۱۹۸۱)
۲۷۰	۴-۱. کینزگرایی نظامی در سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۷۱	۴-۲. سیاست‌گذاری اقتصادی چندملیتی و کثرت‌گرا (دهه‌ی ۱۹۹۰)
۲۷۲	۴-۳. سیاست‌گذاری اقتصادی بازارهای جهانی (اولین دهه‌ی قرن ۲۱)
۲۷۴	۴-۴. سیاست‌گذاری اقتصادی مصالحه‌گرا
۲۷۴	۴-۴-۱. هماهنگی بین منافع بازیگران اقتصادی
۲۷۵	۴-۴-۲. رقابت و همکاری در مصالحه‌گرایی اقتصادی
۲۷۵	۴-۴-۳. مذاکره و چانه‌زنی در روند سیاست‌گذاری اقتصادی مصالحه
۲۷۶	۴-۴-۴. ایجاد موازنه عمومی گروه‌های رقیب در سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۷۷	خلاصه و مرور مباحث فصل هشتم

۲۸۵	فصل نهم: ظرفیت‌سازی در سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۸۸	۱. ظرفیت‌سازی از طریق تحولات تکنولوژیک
۲۸۹	۱-۱. تأثیر موج اول انقلاب تکنولوژیک
۲۹۱	۱-۲. تأثیر موج دوم انقلاب تکنولوژیک
۲۹۴	۱-۳. تأثیر موج سوم انقلاب تکنولوژیک
۲۹۸	۲. راهبردهای کلاسیک ظرفیت‌سازی در سیاست‌گذاری اقتصادی
۲۹۹	۲-۱. راهبرد محصورسازی
۳۰۱	۲-۲. راهبرد رقابتی (نظریه‌ی کلاسیک)
۳۰۳	۲-۳. راهبرد حمایتی (نظریه‌ی نئوکلاسیک)
۳۰۴	۲-۴. راهبرد شناورسازی نرخ بهره (مکتب شیکاگو)
۳۰۶	۳. راهبردهای فرامدرن در ظرفیت‌سازی اقتصادی
۳۰۶	۳-۱. راهبرد ترویج
۳۱۰	۳-۲. راهبرد توزیع
۳۱۱	۳-۳. راهبرد تقسیم‌بندی
۳۱۳	۳-۴. راهبرد تبیین روان‌شناختی

۳-۵. راهبرد انعطاف‌پذیری سازمانی.....	۳۱۵
خلاصه و مرور مباحث فصل نهم.....	۳۱۷
فصل دهم: نقش تجارت بین‌الملل در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۳۲۱
۱. شاخص‌های تجارت بین‌الملل در فضای جهانی‌شدن.....	۳۲۲
۱-۱. هماهنگ‌سازی هنجارها در سیاست‌گذاری تجارت بین‌الملل و شکل‌گیری دولت کامله‌الوداد	۳۲۳
۱-۲. نقش شرکت‌های چندملیتی در فرآیند سیاست‌گذاری تجارت جهانی	۳۲۵
۲. نقش مدیریت تجارت بین‌الملل در سیاست‌گذاری اقتصادی کشورها	۳۲۹
۲-۱. سیاست‌گذاری مدیریت تولید کالا در تجارت جهانی	۳۳۰
۲-۲. سیاست‌گذاری مبادله‌ی کالا در تجارت جهانی	۳۳۳
۲-۳. مدیریت سرمایه‌گذاری در تجارت جهانی	۳۳۷
۲-۴. سیاست‌گذاری انتقال فن‌آوری در تجارت جهانی.....	۳۴۰
۳. نقش شرکت‌های چندملیتی در سیاست‌گذاری اقتصادی واحدهای سیاسی	۳۴۲
۳-۱. نقش شرکت‌های چندملیتی در انتقال فن‌آوری.....	۳۴۳
۳-۲. نقش شرکت‌های چندملیتی در انتقال سرمایه.....	۳۴۵
۳-۲-۱. اعتبار اقتصادی و سیاسی کشور میزبان	۳۴۵
۳-۲-۲. میزان رعایت استانداردهای اقتصادی توسط کشور میزبان	۳۴۶
۳-۲-۳. ارتقای زیرساخت‌های اقتصادی کشور و منطقه‌ی میزبان	۳۴۸
۳-۳. نقش شرکت‌های چندملیتی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....	۳۵۰
۳-۳-۱. افزایش سود با شرایط رقابت حداقلی	۳۵۱
۳-۳-۲. اطمینان‌یابی از برتری نسبت به رقبای	۳۵۳
۳-۳-۳. کنترل خطر اقتصادی کشورهای مختلف	۳۵۴
خلاصه و مرور مباحث فصل دهم.....	۳۵۶
منابع و مآخذ.....	۳۶۵
نمایه.....	۳۸۳

مقدمه



سیاست‌گذاری اقتصادی، شاخه‌ای از سیاست‌گذاری عمومی است که به‌عنوان رشته تحصیلی دانشگاهی از سال ۱۹۵۲ در آمریکا، به‌ویژه دانشگاه پرینستون، شروع به تدریس شد. دانشگاه پرینستون در زمینه‌های جدید علمی از قبیل: نوسازی، سیاست تطبیقی، توسعه، سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌گذاری اقتصادی پیشتاز بوده است. همچنین کمیته‌ی علوم اجتماعی نیز، در این دانشگاه شروع به فعالیت نمود و درصدد بود تا مفاهیم و موضوعات مربوط به رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را توسعه دهد. آمریکایی‌ها برآن بودند تا زیرساخت‌های قدرت خود را از طریق توسعه‌ی مفاهیم علمی پیگیری نمایند.

یکی از شاخص‌های قدرت نرم در آمریکا، توسعه‌ی علمی و دانشگاهی از زمان جنگ دوم جهانی است. سیاست‌گذاری اقتصادی هم به‌عنوان بخشی از این ضرورت دارای اهمیت ویژه گردید. قدرت نرم عبارت است از: تولید توانایی‌هایی که از طریق آن بتوان جذابیت علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آکادمیک را برای گروه‌های مختلف به‌وجود آورد. برنامه‌نویسان راهبردی آمریکایی اعتقاد داشتند که سیاست‌گذاری اقتصادی بخشی از «توسعه‌ی درون‌ساختاری»^۱ کشورها محسوب می‌شود؛ بنابراین لازم است تا زمینه‌های تحقق چنین فرآیندی ایجاد شود.

جوزف نای^۲ (۲۰۰۴)، معتقد است که ایالات متحده آمریکا، منابع بالقوه‌ی بسیاری

1. Inner Structural Development

2. Joseph Nye

دارد که می‌توانند قدرت نرم را فراهم نمایند. تحقق این امر زمانی امکان‌پذیر است که سهم توانایی‌های علمی و دانشگاهی آمریکا به موازات قابلیت‌های اقتصادی آن افزایش یابد. به عبارت دیگر، فرآیندی که آمریکا از طریق آن به تولید ثروت و توانگری نایل می‌گردد، در زمره‌ی شاخص‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. سیاست‌گذاری اقتصادی برای آمریکا به این دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که نه تنها برای دانشگاه‌ها و آکادمی‌های آن شهرت و جذابیت به‌وجود می‌آورد، بلکه آمریکا را از بزرگ‌ترین کشورهای دارای اقتصاد در جهان و نظریه‌پردازان آکادمیک بعد از جنگ دوم جهانی به حساب می‌آورد (Nye, 2004: 68). گسترش رشته‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی در آمریکا از این جهت اهمیت دارد که از یک‌سو، ماهیت علمی و آکادمیک دارد و از سوی دیگر، پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی است. اقتصاد آمریکا را می‌توان بخشی از ضرورت‌های توسعه‌ی علمی و دانشگاهی آن کشور دانست؛ به‌گونه‌ای که براساس فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی، این کشور به توانایی‌هایی در زمینه‌ی اقتصاد دست یافت و توانست موتور اقتصاد جهانی لقب بگیرد تا از این طریق، بزرگ‌ترین حجم تولید ناخالص داخلی و ملی را به خود اختصاص دهد.

با توسعه رشته‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی، گامی مؤثر و تعیین‌کننده برای کنترل اقتصاد جهانی و همچنین افزایش بازدهی در حوزه‌ی اقتصاد ملی ایالات متحده آمریکا برداشته شد. این امر نقش آمریکا را در فرآیند کنترل اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی ارتقا داد.

مباحث سیاست‌گذاری اقتصادی صرفاً برای تحقق اهداف اقتصادی کشورها استفاده نمی‌شود، بلکه باید آن را در فرآیند کلی‌تری در ارتباط با اقتصاد و سیاست جهانی بررسی نمود، مثلاً نئولیبرال‌هایی چون سوزان استرنج^۱ معتقد است که از طریق فرآیندهایی چون سیاست‌گذاری اقتصادی می‌توان زیرساخت‌ها و ابزارهای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی سایر کشورها را کنترل کرد. در واقع، سیاست‌گذاری اقتصادی نماد کنترل فرآیندهای توسعه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بسیاری از کشورها محسوب می‌شود. آمریکایی‌ها از طریق

1. Suzan Strenge

مراکز مطالعاتی و دانشگاهی از یک سو توانستند نیازهای علمی جدیدی را در حوزه‌ی دانشگاهی برطرف نمایند و از سوی دیگر، زمینه‌های کنترل اقتصاد جهانی را از طریق الگوها و قواعد مربوط به سیاست‌گذاری اقتصادی را فراهم سازند (Russell, 1983: 39).

سیاست‌گذاری اقتصادی، در سطوح مختلفی انجام‌پذیر است. اگر متون و ادبیات این حوزه‌ی دانشگاهی بررسی شود، به این جمع‌بندی می‌رسیم که سیاست‌گذاری اقتصادی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده است. در کشوری مانند آمریکا، که دارای اقتصاد جهانی است، نه تنها باید در حوزه‌های محلی، ایالتی و منطقه‌ای به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی اقدام نمایند، بلکه باید حوزه‌ی فراگیرتری را مورد مطالعه قرار دهند که معطوف به سیاست‌گذاری در سطح جهانی و در قالب «جامعه‌ی شبکه‌ای»^۱ از اهمیت و کارآمدی بالایی برخوردار باشد.

با توجه به توان و قابلیت اقتصادی آمریکا برای تولید فراینده، ایجاد بازار مصرف جهانی و هم‌چنین کنترل سیستم مالی بین‌المللی، کوگان^۲ معتقد است که این امر منجر به تکامل نهادهای نظارتی و کنترلی یا رویکرد کلاسیک گردیده است. به عبارت دیگر دلیل گسترش حوزه‌های آکادمیک و سیاست‌گذاری اقتصادی در آمریکا این است که این کشور نه تنها بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را داراست بلکه نیمی از پانصد شرکت اقتصادی برتر دنیا نیز آمریکایی هستند. این تعداد پنج برابر بیشتر از شرکت‌های ژاپنی است که بعد از آمریکا، دومین رتبه‌ی اقتصادی جهان را دارد (Coggan, 2002: 3).

یکی از موضوعات تأثیرگذار در ارتباط با سیاست‌گذاری اقتصادی، فرآیندی است که به موجب آن زمینه برای شکل‌گیری مکاتب گوناگون اقتصادی را امکان‌پذیر می‌سازد. به هر اندازه در کشوری مکتب‌های اقتصادی متنوع‌تری ظهور یابند، پیامدهای خود را در فرآیندهای سیاست‌گذاری اقتصادی بیشتر بجا می‌گذارد. به‌طور کلی، ارتباط ارگانیکی بین مکاتب اقتصادی و الگوهای مربوط به سیاست‌گذاری اقتصادی وجود دارد. گسترش مکاتب سیاسی و اقتصادی به منزله‌ی آن است که می‌توان از طریق نظریه‌های مختلف، زمینه‌های مربوط به ارائه‌ی راه‌حل‌های سیاسی و اقتصادی را به‌وجود آورد (Keller, 2003: 9).

1. The Network Society

2. Coggan

سیاست‌گذاری اقتصادی، تنها مربوط به مطالعه‌ی حوزه‌ی فعالیت‌های دولت نیست؛ زیرا بازیگران اقتصادی که در روند سیاست‌گذاری نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نمایند، از تنوع بسیاری برخوردار و گروه‌های مختلفی از بازیگران به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی را تشکیل می‌دهند. تمامی این مجموعه‌ها به‌علاوه دولت‌ها، نخبگان و نهادهای غیردولتی می‌توانند در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی به ایفای نقش بپردازند. به‌طور مثال، می‌توان اجلاس‌های داووس^۱ را که فوریه‌ی هر سال، در کشور سوئیس برگزار می‌شود، به‌عنوان نمادی از مجموعه‌هایی دانست که در روند سیاست‌گذاری اقتصادی مشارکت دارند.

در سطح داخلی نیز مشابه چنین الگویی وجود دارد. سیاست‌گذاری در سطح داخلی براساس مشارکت سندیکاها، کارگری، اتحادیه‌های اقتصادی و همچنین شرکت‌های بزرگ تولیدی و بازرگانی انجام می‌گیرد. در عصر جدید، هریک از مجموعه‌های یادشده در روند سیاست‌گذاری اقتصادی کشورها، از نقش مشارکتی با دولت برخوردارند. این امر نشان می‌دهد که در عصر فراصنعتی، اقتصاد سراسر جهان به‌گونه‌ای به یکدیگر وابسته‌اند که هندسه‌ی سیاسی، اقتصادی و فناورانه نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. در این فرآیند، شکل جدیدی از روابط میان اقتصاد، دولت، جامعه و نهادهای اقتصادی شکل گرفته که نیازمند مدیریت و کنترل چندجانبه است. این امر نشان می‌دهد که در عصر فراصنعتی، «چندجانبه‌گرایی»^۲ بخش اجتناب‌ناپذیر سیاست‌گذاری اقتصادی محسوب گردیده و در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در حال ظهور است.

سیاست‌گذاری اقتصادی نه تنها شاهد دگرگونی رویه و الگوهای رفتاری کارگزاران اقتصادی است، بلکه ساختار و ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری را نیز دگرگون می‌نماید. براین اساس، دگرگونی و تجدید ساختار بنیادین در اقتصاد سرمایه‌داری، بازتاب شکل جدیدی از سیاست‌گذاری اقتصادی است که به موجب آن زمینه را برای شکل‌گیری مدیریت انعطاف‌پذیر، تمرکززدایی، شبکه‌ای شدن شرکت‌ها در روابط داخلی و بین شرکتی، قدرت یافتن چشمگیر سرمایه در برابر نیروی کار و در نهایت، کاهش نفوذ جنبش کارگری را فراهم آورده است (کنلتر، ۱۳۸۰: ۲۷).

1. Davos Summit
2. Multi-Lateralism

فردی شدن روابط کار و تنوع روزافزون تولیدات اقتصادی به همراه مشارکت گسترده‌ی زنان در بازار کار و افزایش رقابت در اقتصاد جهانی از زمره‌ی شاخص‌هایی هستند که تحت‌تأثیر سیاست‌گذاری اقتصادی در دوران جدید شکل گرفته‌اند و باعث بروز آثار و پیامدهای اجتماعی قابل‌توجهی گردیدند. می‌توان گفت، ارتباط بین فن‌آوری، سیاست و جامعه، از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی شکل گرفت. به عبارت دیگر، می‌توان به این نتیجه رسید که توسعه‌ی اقتصادی در بسیاری از مناطق، تابعی از سیاست‌گذاری اقتصادی در سطح جهانی است.

در این کتاب، سعی گردیده تا درک دقیقی از «سیاست‌گذاری اقتصادی»^۱ برای دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌ی سیاست‌گذاری ارائه شود. توجه به فرآیندهای سیاست‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، فناورانه و اقتصادی، بخشی از دغدغه‌ی عمومی دولت‌ها محسوب می‌شود. براساس تجربه‌های به‌دست آمده، دولت و نظام‌های سیاسی از طریق سیاست‌گذاری اقتصادی نه تنها بر فرآیندهای تولید، توزیع و مبادله تأثیر می‌گذارند، بلکه توانایی تشکیل روندی را به‌وجود می‌آورند که زمینه‌ی تغییر در ماهیت و ساختار دولت را میسر می‌سازند. هم‌اکنون ضرورت توجه به سیاست‌گذاری اقتصادی به میزانی است که بدون در نظر گرفتن آن، امکان طراحی هیچ‌گونه برنامه‌ی اجرایی وجود ندارد.

در ایران وظیفه‌ی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی بر عهده‌ی سازمان برنامه و بودجه یا سازمان‌های مشابه، مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است. با توجه به چنین ضرورت‌هایی، زمینه‌ی تاسیس رشته‌ی سیاست‌گذاری دانشگاه تهران فراهم گردید و اساتید آن نیز تلاش دارند تا ادبیات این رشته‌ی علمی را ارتقا بخشند.

در این کتاب، از یک‌سو تلاش گردیده تا سیاست‌گذاری اقتصادی براساس نظریه‌های مختلف بررسی شود و از سوی دیگر، عناصر تأثیرگذار بر فرآیند و نهادهای سیاست‌گذاری اقتصادی از جمله دولت، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های بوروکراتیک، نخبگان و نهادهای نظارتی که نقش‌آفرین می‌باشند، نیز مورد بررسی قرار گیرند. در این رشته، تاریخچه‌ی

تحول، هم‌زمان با روش مطالعه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی بررسی می‌شود. علاوه بر آن، الگوهای تحلیلی و در نهایت روندهای سیاست‌گذاری اقتصادی، شناسایی و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

از آن‌جا که اقتصاد در حوزه‌های مالی، صنعتی، تجاری و شبکه‌ای گسترش یافته است، کوشش شده تا هم‌زمان با سیاست‌گذاری اقتصادی، به اجزای آن نیز توجه شود. هم‌چنین بخش‌هایی از این کتاب درباره‌ی سیاست‌گذاری مالی، تجاری و مسئولیت اجتماعی دولت در سیاست‌گذاری اقتصادی تدوین شده است.

از مباحث مطرح شده دیگر که این کتاب به آن می‌پردازد بررسی چالش‌های موجود در حوزه‌های مختلف جامعه و نخبگان است که در اثر اعمال هرگونه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی جدید پدید می‌آید. در این بین، به مسائلی مانند ظرفیت‌سازی اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌گردد که خود نیز نشان‌دهنده این امر مهم است که برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی کشورها بدون توجه به ظرفیت‌های ساختاری و جانی تحقق نمی‌یابد.

به‌طور یقین، تنظیم این مجموعه بدون بهره‌گیری از دستاوردهای علمی پژوهش‌گران و اساتید این رشته امکان‌پذیر نبوده است. هرگونه موضوع علمی، ماهیت تراکمی و انباشتی دارد. بنابراین، آنچه در این مجموعه به‌عنوان سیاست‌گذاری اقتصادی مطرح شده، از یک‌سو، بازتاب یافته‌هایی است که تاکنون به‌عنوان بخشی از ادبیات این حوزه‌ی دانشگاهی و اجرایی ارائه گردیده است. از سوی دیگر، تلاش شده است تا درباره‌ی هر مبحث، نمونه بارز و آشکاری از ادبیات و موضوعاتی که جامعه‌ی ایران به آن مبتلا می‌باشد، مورد بحث قرار گرفته تا زمینه‌ی درک عینی و قابل لمس فرآیندهای اقتصادی برای پژوهش‌گران فراهم گردد.